

**نویسنده:** بریت ویلکینس «Brett Wilkins» . [37]

**منبع و تاریخ نشر:** کمان دریم «2023-03-11» .

**برگردان:** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

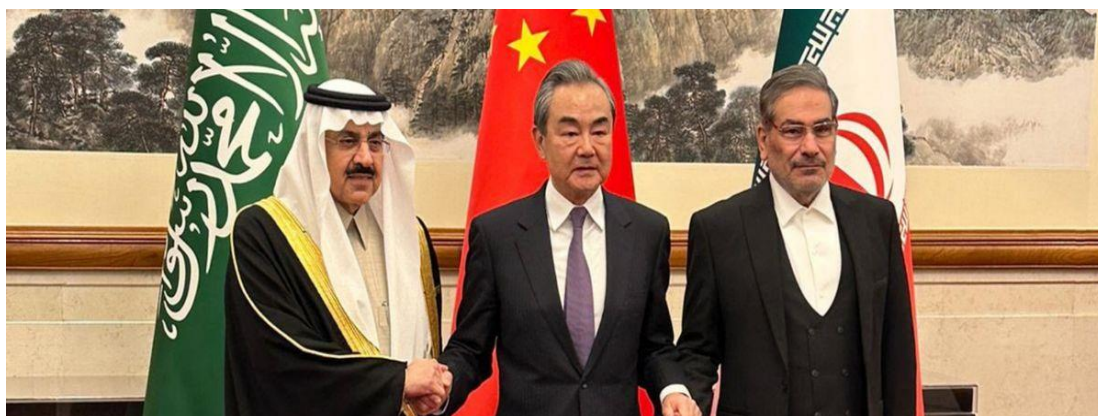
---

## افزایش نگرانی های امپراتوری ایالات متحده آمریکا برسر توافق روط دیپلماتیک ایران و عربستان سعودی با میانجیگری چین

### *US 'Imperial Anxieties' Mount Over China-Brokered Iran-Saudi Arabia Diplomatic Deal*

یک کارشناس اطلاعاتی آمریکایی از ایالات متحده خواست تا روابط دوستانه خود را با "متحدان وحشی اما دیرینه" در خاورمیانه حفظ کند تا مبادا چین خلاء را پر کند.

**One American intelligence expert urged the U.S. to maintain friendly relations with "barbarous, but long-standing allies" in the Middle East lest China fill the vacuum.**



**وانگ بی،** دیپلمات ارشد چین، روز جمعه در پکن بین **علی شمخانی،** دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران و وزیر امور خارجه و مشاور امنیت ملی عربستان سعودی، **مساعده بن محمد آل ابیان** قرار دارد (عکس: وزارت خارجه چین)

\*\*\*\*\*

در حالی که حامیان صلح و نظم جهانی چندقطبی از توافق روز جمعه با میانجیگری چین برای برقراری مجدد روابط دیپلماتیک بین ایران و عربستان سعودی استقبال کردند، مطبوعات، کارشناسان

و سیاستمداران آمریکایی آنچه را که یکی از ناظران «اضطراب امپراتوری» در مورد این توافق و نفوذ فزاینده چین در منطقه؛ منطقه ای که تحت سلطه ایالات متحده برای چندین دهه بود خواند.

**وانگ بی**، دیپلمات ارشد چین، از توافقی که بین دو کشور - که در حال جنگ نیابتی در یمن هستند - برای عادی سازی روابط پس از هفت سال قطع رابطه منعقد شد و آن را "پیروزی گفتگو و صلح" خواند.

این سه کشور (ایران؛ عربستان سعودی و چین) در بیانیه ای مشترک اعلام کردند که این توافق "تأیید احترام به حاکمیت دولت ها و عدم مداخله در امور داخلی" است.

ایالات متحده جنگ را تشویق می کند در حالی که چین برعکس آنرا فشار می دهد. و در این بیانیه آمده است: ایران و عربستان سعودی همچنین از رهبری و دولت جمهوری خلق چین برای میزبانی و حمایت مالی از مذاکرات و تلاش هایی که برای موفقیت آن انجام داده است، تشکر و قدردانی کردند.

**استفان دوجاریک**، سخنگوی سازمان ملل متحد از نقش چین در این توافق تشکر کرد و در بیانیه ای تأکید کرد که روابط حسن همجواری ایران و عربستان سعودی برای ثبات منطقه خلیج فارس ضروری است.

**امی هائورن**، معاون پژوهشی در پروژه دموکراسی خاورمیانه، یک گروه غیرانتفاعی مستقر در واشنگتن، به نیویورک تایمز گفت: «موفقیت معتبر چین آن را از نظر دیپلماتیک به لیگ جدیدی تبدیل می کند و اما از زمان روی کار آمدن [رئیس جمهور جو بایدن] تا جاییکه ایالات متحده توانسته است به هر آن چیزی که دست یابد آنرا برتری میبخشد.

**یون سان**، مدیر برنامه چین در مرکز استیمسون، یک اتاق فکر در واشنگتن دی سی، این توافق را نشانه ای از "نبرد روایت ها برای آینده نظم بین المللی" خواند.

**تامارا قبله وی**، خبرنگار سی ان ان، این توافق را "شروع عصر جدیدی با محوریت چین" خواند.

در همین حال، **احمد عبودوه**، عضو غیر مقیم شورای آتلانتیک، اندیشکده دیگری از دی سی، نوشت که «چین به تازگی آمریکا را با دماغی خون آلود در خلیج فارس ترک کرد».

در **مؤسسه کارنگی**، اندیشکده دیگری واقع در پایتخت این کشور، همکار ارشد **آرون دیوید میلر** در توییتری نوشت که این توافق "پکن را تقویت می کند و تهران را مشروعیت می بخشد. این یک انگشت وسط برای **بایدن** و یک محاسبه عملی از منافع عربستان است".

برخی ناظران سیاست ها و اقدامات آمریکا و چین را در خاورمیانه مقایسه کردند.

**وو شینیو**، رئیس مطالعات بین المللی دانشگاه فودان در شانگهای، به تایمز گفت: «ایالات متحده از یک طرف حمایت می کند و طرف دیگر را سرکوب می کند، در حالی که چین تلاش می کند هر دو طرف را به هم نزدیک تر کند. «این یک پارادایم دیپلماتیک متفاوت است».

**مرتضی حسین**، خبرنگار *The Intercept*، در توییتی نوشت که این واقعیت که این توافق "با میانجیگری چین به عنوان یک طرف مورد اعتماد خارجی انجام شد، نشان دهنده کاستی های رویکرد جنگ طلبانه ایالات متحده در منطقه است". مقامات **دولت بایدن** در حالی که محتاطانه از توافق استقبال کردند، ابراز تردید کردند که ایران به پایا ن معامله خود عمل کند.

**جان کربی** هماهنگ کننده راهبردی شورای امنیت ملی کاخ سفید روز جمعه به خبرنگاران گفت: «این رژیم نیست که معمولاً به قول خود احترام می گذارد، بنابراین ما امیدواریم که آنها این کار را انجام دهند. توافق هسته ای ایران در دوران دولت ترامپ.

**کربی افزود** که دولت **بایدن** "مایل است این جنگ در یمن پایان یابد"، اما او حمایت ایالات متحده از مداخله عربستان سعودی در جنگ داخلی را که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به کشته شدن نزدیک به 400000 نفر از سال 2014 تاکنون منجر شده است، تایید نکرد. مقامات بشردوستانه

روابط آمریکا با عربستان سعودی در دوران ریاست جمهوری **جو بایدن** تیره شده است. در حالی که **بایدن** - که زمانی قول داده بود پادشاهی سرکوبگر را به خاطر قتل وحشتناک **جمال خاشقجی**، روزنامه نگار «محرم» تبدیل کند - مایل است نقض حقوق بشر و جنایات جنگی عربستان سعودی را تحمل کند، رئیس جمهور خشم و ناامیدی خود را ناشی از تصمیم پادشاهی سعودی برای کاهش دادن ابراز کرده است. بویژه به نسبت تولید نفت در بحبوحه افزایش قیمت بنزین ایالات متحده و حمله روسیه به اوکراین. با این وجود، دولت **بایدن** در حال حاضر در تلاش است تا به دنبال میانجیگری دولت ترامپ در توافقنامه ابراهیم، یک سری از توافقنامه های عادی سازی دیپلماتیک بین اسرائیل و دشمنان سابق امارات متحده عربی و بحرین، میانجیگری برای یک توافق صلح بین عربستان سعودی و اسرائیل میانجیگری کند.

ایالات متحده که نقش کلیدی در سرنگونی دولت مترقی ایران در کودتای 1953 ایفا کرد، از مدت کوتاهی پس از کودتا و سرنگونی رژیم اسلامی کنونی رژیم سلطنتی تحت حمایت ایالات متحده که با دست و حشیا نه به مدت 25 سال پس از کودتای 1953 حکومت کرد، روابط دیپلماتیک با تهران نداشته است.

**جان اتان پانیکوف**، مدیر ابتکار امنیت خاورمیانه اسکوکرافت در برنامه های خاورمیانه برای شورای آتلانتیک، از ایالات متحده خواست تا روابط دوستانه خود را با دیکتاتورهای وحشی در منطقه حفظ کند تا از هژمونی چین در آنجا جلوگیری کند. **پانیکوف** در تحلیل شورای آتلانتیک نوشت:

اکنون ممکن است شاهد ظهور نقش سیاسی چین در منطقه باشیم و این باید هشدار برای سیاستگذاران ایالات متحده باشد. و آن اینکه خاورمیانه را نباید رها کنید و روابط با متحدان گاه ناامید کننده، حتی وحشیانه، اما قدیمی را رها نکنید، و به سادگی به ایجاد خلاء برای چین. مساعدت نکنید و ویا نباید اشتباه کنید، و در غیر آن خاورمیانه تحت سلطه چین اساساً امنیت تجاری، انرژی و ملی ایالات متحده را تضعیف خواهد کرد.

ناظران دیگر نیز نگران افزایش قدرت چین در خاورمیانه و فراتر از آن بودند.

**دیوید پیرسون**، خبرنگار نیویورک تایمز در مورد **چین** روز شنبه نوشت که نقش **چین** در نزدیکی ایران و عربستان سعودی نشان دهنده "جاه طلبی **شی جین پینگ** رئیس جمهور **چین** برای ارائه جایگزینی برای نظم جهانی به رهبری ایالات متحده است".

به گفته پیرسون :

چشم‌اندازی که **آقای شی** مطرح کرد، چشم‌اندازی است که قدرت را از واشنگتن به نفع چندجا نبه‌گرایی و به اصطلاح عدم مداخله سلب می‌کند، کلمه‌ای که **چین** از آن بگونه مثال استدلال می‌کند که کشورها نباید با انتقاد از نقض حقوق بشر در امور داخلی یکدیگر دخالت کنند.

توافق عربستان و ایران منعکس‌کننده این دیدگاه است. تعامل **چین** در منطقه برای سال‌ها ریشه در ارائه منافع اقتصادی متقابل و دوری از آرمان‌های غربی لیبرالیسم دارد که توانایی واشنگتن را برای گسترش حضورش در خلیج فارس پیچیده‌تر کرده است.

**پیرسون** به ابتکار امنیت جهانی **شی**، اشاره کرد که به دنبال ترویج "همزیستی مسالمت‌آمیز" در جهانی چندقطبی است که از "یکجانبه‌گرایی، تقابل بلوک‌ها و هژمونیزم" مانند تهاجمات ایالات متحده و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی اجتناب می‌کند.

**پیرسون نوشت:** «برخی از تحلیلگران می‌گویند که این ابتکار اساساً تلاشی برای پیشبرد منافع **چین** از طریق جابجایی واشنگتن به عنوان پلیس جهان است". این طرح خواستار احترام به "امنیت غیرقابل تقسیم" کشورها است، یک اصطلاح شوروی که برای استدلال علیه اتحادیه‌های تحت رهبری ایالات متحده در حاشیه چین استفاده می‌شود.

ایالات متحده از سال 1950 بر بیش از 20 کشور حمله کرده، یا آن کشورها را اشغال کرده است. حالانکه در عین مدت یا در در همان دوره، چین تنها به دو کشور اعم به هند و ویتنام حمله کرده است. چینی‌ها که سال‌ها تنها نقشی فرعی در منطقه داشتند، ناگهان خود را به بازیگر قدرت جدید تبدیل کردند.

چینی‌ها که سال‌ها تنها نقشی فرعی در منطقه داشتند، ناگهان خود را به بازیگر قدرت جدید تبدیل کردند

«**پیتربیکر**، خبرنگار ارشد نیویورک تایمز در کاخ سفید نیز روز شنبه مقاله‌ای در مورد چگونگی «توافق چینی که دیپلماسی خاورمیانه را به چالش می‌کشد منتشر کرد».

آمریکایی‌ها که در سه چهارم قرن گذشته بازیگران اصلی خاورمیانه بوده‌اند، تقریباً همیشه آنها بی‌که در اتاقی که این اتفاق رخ داده است، اکنون در یک لحظه تغییر چشمگیر خود را در حاشیه می‌بینند «**نا نوا** چینی‌ها که سال‌ها تنها نقشی فرعی در منطقه داشتند، ناگهان خود را به بازیگر قدرت جدید تبدیل کردند

برخی از کارشناسان تاکید کردند که صلح بیشتر در خاورمیانه، مهم نیست که چه کسی آن را واسطه‌کند، چیز خوبی است.

**تریتا** در توئیتر نوشت: «در حالی که بسیاری در واشنگتن نقش نوظهور **چین** به عنوان میانجی در خاورمیانه را به عنوان یک تهدید می‌دانند، واقعیت این است که خاورمیانه باثبات‌تر که در آن ایرانی‌ها و سعودی‌ها در گلوئی یکدیگر نباشند، به نفع ایالات متحده است. «پارسی، معاون اجرایی مؤسسه کونینسی مستقر در واشنگتن **دی سی** برای امور دولتی مسئولیت پذیر.»

وی با ابراز تاسف گفت: متأسفانه آمریکا رویکردی را در قبال منطقه اتخاذ کرده است که آن را از تبدیل شدن به یک میانجی معتبر ناتوان کرده است. اغلب، واشنگتن در درگیری‌ها طرف می‌گیرد و تبدیل به یک هم‌جنگ می‌شود - ما نند در جنگ یمن - که سپس توانایی آن را برای ایفای نقش صلح‌جو کاهش می‌دهد.

تیریتا پارسی هشدار داد: واشنگتن باید از سناریویی که در آن بازیگران منطقه ای آمریکا را یک گرم ساز ریشه دار و چین را به‌عنوان صلح‌جوی انعطاف‌پذیر نگاه می‌کنند، اجتناب کند. مجوز کار ما تحت Creative Commons (CC BY-NC-ND 3.0) است یا خیال راحت بازنشر کنید و به صورت گسترده به اشتراک بگذارید.

## سطری چند در مورد نویسنده :

ویلیکینز عضو هیئت تحریر یکی از نویسندگان و کارمند کمان دریم است.



**نویسنده :** دانیل لارسن (Daniel Larson)

منبع و تاریخ نشر: ریسپونسیبل گرفت (2023-03-10)

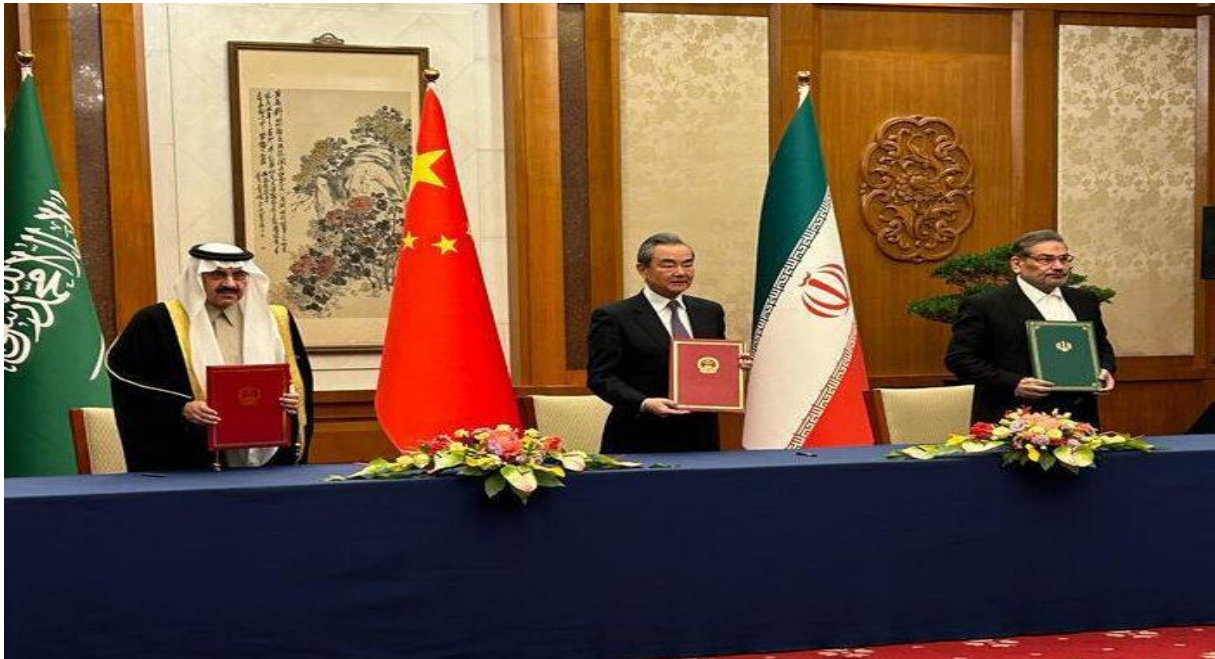
**برگردان :** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» . [38]

چرا توافق ایران و عربستان برای احیای روابط اینقدر بزرگ است واقعیتهایی که چین به آن کمک کرد

**Why the Iran-Saudi agreement to restore ties is so big  
The fact China helped to**

این واقعیت که چین به میانجی‌گری این معامله کمک کرد نیز بسیار مهم است. سوال اینجاست که واکنش آمریکا چگونه خواهد بود؟

**The fact China helped to broker the deal is significant too. The question is, how will the US react?**



طرف چپ وزیر امور خارجه عربستان سعودی، مشاور شورای وزیران، و مشاور امنیت ملی عربستان، مساعد بن محمد العیاب، مدیر دفتر کمیسیون مرکزی روابط خارجی حزب کمونیست چین (ح ک چ) **وانگ یی** و عالی ایران **علی شمخانی** دبیر شورای امنیت ملی پس از دیدار با آنها عکس گرفت. ایران و عربستان سعودی توافق کردند که روابط دیپلماتیک خود را از سر بگیرند و سفارت‌ها را ظرف دو ماه آینده بازگشایی کنند «بهترین کیفیت موجود خاورمیانه»

\*\*\*\*\*

ایران و عربستان سعودی روز جمعه توافقی را برای بازگرداندن روابط عادی دیپلماتیک و بازگشایی سفارت‌های خود در مدت دو ماه منعقد کردند. این توافق در پایان یک هفته مذاکرات با میانجیگری **چین** در **پکن** حاصل شد که به شکاف بین دو دولت که از زمان قطع روابط عربستان سعودی در سال 2016 وجود داشت، پایان داد.

اگر این توافق پا برجا بماند، گامی مهم به جلو در دیپلماسی منطقه ای خواهد بود و ممکن است به تسهیل پیشرفت به سوی آتش بس پا یدارتر در یمن کمک کند. از سرگیری روابط عادی بین ایران و عربستان سعودی نتیجه این است که آنها متوجه شده اند که خصومت شدیدی قبلی بین این کشورها دو طرف نامطلوب بوده است. احیای روابط دیپلماتیک نوسازویی برای همه تنش‌های منطقه‌ای نیست، اما باید اثر تثبیت کننده ای داشته باشد که با افزایش تنش‌های ایران و آمریکا بسیار ضروری است.

میانجیگری **چین** نمونه ای از نقش سازنده ای است که گاهی قدرت های بزرگ دیگر می توانند در خاورمیانه داشته باشند. همچنین نشان می‌دهد که وقتی یک قدرت بزرگ خود را در دام رقابت های منطقه نینداخته است، دیپلماسی چقدر می تواند مؤثرتر باشد. **چین** از روابط نسبتاً خوبی با هر دو دولت برخوردار است و این کشور را در موقعیتی قرار می‌دهد که بتواند معامله ای را انجام دهد که احتمالاً ایالات متحده هرگز نمی‌توانست به آن دست یابد. همانطور که **تریتا پارسی** از موسسه کوئینسی مشاهده کرد، "چین با عدم جانبداری، به عنوان بازیگری ظاهر شده است که می‌تواند اختلافات را حل کند نه اینکه صرفاً سلاح بفروشد

"به ضرر ما، نزدیک به نیم قرن است که روابط بین ایران و آمریکا وجود ندارد. فقدان روابط عادی آمریکا و ایران برای ایالات متحده در تمام مرادفات منطقه ای این کشور یک نقطه ضعف بوده است. روابط بسیار نزدیک و واشنگتن با یک بلوک از کشورهای منطقه به این معنی است که هرگز به عنوان یک میانجی معتبر در هیچ یک از مناقشات منطقه دیده نخواهد شد. دخالت عمیق واشنگتن در درگیری های منطقه ای، اثربخشی دیپلماسی آن را تضعیف می کند و نفوذ آن را محدود می کند."

احتمالاً در برخی از بخش های واشنگتن واکنش بیش از حد وحشتناکی به دخالت **چین** در این روند وجود خواهد داشت، زیرا به نظر می رسد این روزها یک واکنش بیش از حد وحشت زده نسبت به هر چیزی که به **چین** مربوط می شود وجود دارد، اما ایالات متحده باید از تلاش های دیپلماتیک چین در زمانی که به مثبت و با ثبات کننده منجر شود استقبال کند. نتایج بدون شک دولت چین زمانی که توافق عربستان و ایران را تسهیل می کند، منافع خود را در ذهن دارد، اما این نباید به عنوان چالش یا تهدیدی برای منافع محدودی که ایالات متحده در منطقه دارد، تلقی شود. هم ایالات متحده و هم **چین** از یک خاورمیانه با ثبات تر سود می برند، بنا براین به جای نگرانی در مورد از دست دادن نفوذ، سیاست گذاران در واشنگتن باید از اقدامات بی ثبات کننده بیشتر اجتناب کنند.

توافق عربستان و ایران به عنوان یک "پیروزی بزرگ" برای چین توصیف شده است، اما این بدان معنا نیست که این توافق به ضرر دیگران تمام می شود. اگر رقابت سومی منطقه ای کمی کمتر شده باشد، خبر خوبی برای همه نگران است. در این صورت، برد چین را باید برد برای همه طرف های ذینفع از جمله ایالات متحده تلقی کرد. این دقیقاً همان رفتار مسئولانه بین المللی است که واشنگتن همیشه می گوید می خواهد از سوی دولت چین ببیند، بنا براین **دولت باید** با نقش **مثبت چین** را در این مورد تصدیق کند.

با توجه به اینکه روابط عربستان و ایران در دهه گذشته چقدر بدتر شده است، احیای روابط عادی یک چرخش قابل توجه است. همین چند سال پیش در سال 2018 بود که **محمد بن سلمان**، ولیعهد سعودی، حکومت ایران را به آلمان نازی تشبیه کرد و تهدید کرد که به «جنگ» وارد ایران خواهد شد. شکست های مکرر سیاست های سعودی در سال های پس از آن و توانایی اثبات شده ایران در حمله به تاسیسات نفتی عربستان، دولت سعودی را مجبور کرد که رویکردی سازگارتر اتخاذ کند.

ایران و عربستان سعودی چندین سال است که روی یک نزدیکی احتمالی کار می کنند، اما پیشرفت دیپلماتیک کند بود و گهگاه با حوادثی قطع می شد. تنها پابیز گذشته بود که هشدارهای دروغین درباره حمله "قریب الوقوع" ایران به خاک عربستان شنیدیم، اما این حمله هرگز اتفاق نیفتاد و اکنون دو دولت در حال ترمیم روابط از بین رفته خود هستند.

اگر عربستان سعودی و ایران بتوانند این هج را به این شکل دفن کنند، این نشان می دهد که دولت کنونی ایران ممکن است انعطاف پذیرتر از آن چیزی باشد که بسیاری در واشنگتن تصور می کنند. این امر باید **دولت باید** را متعهد به یافتن راه حل دیپلماتیک برای موضوع هسته ای کند. این باید تأکید کند که سیاستی که مبتنی بر اجبار و تهدید باشد، نسبت به سیاستی که به دنبال یک راه حل سودمند متقابل است، کمتر موفق خواهد بود. نقش چین در میانجی گری این توافق همچنین نشان می دهد که چگونه **چین** می تواند به تامین همکاری ایران کمک کند و این می تواند در نجات مذاکرات هسته ای نیز مفید باشد. متأسفانه، با توجه به اینکه روابط کنونی آمریکا و چین چقدر تیره است، ایالات متحده برای استفاده کامل از ارتباط بین چین و ایران به سختی تحت فشار خواهد بود.

چند سال اخیر رقابت عربستان و ایران باید به ما یادآوری کند که این رقابت ها چقدر می تواند بی ثمر باشد. هیچ یک از دو کشور با قطع روابط امن تر نشدند و هیچ کدام در پیشبرد منافع خود موفق تر از قبل نبودند. تا جایی که این رقابت منجر به مداخله ائتلاف به رهبری عربستان سعودی در یمن و نقش فزاینده ایران در آن منطقه شد، برای ثبات منطقه و مردم یمن فاجعه بار بوده و امنیت عربستان سعودی را نسبت به قبل کمتر کرده است. مداخله کرد این باید هشدار برای ایالات متحده در مورد حماقت و بیهودگی رقابت های خود باشد، خواه این رابطه خصمانه با ایران در 44 سال گذشته باشد یا "رقابت" اخیر با چین.

اگر ایالات متحده می خواهد در موقعیتی قرار گیرد که بتواند یک میانجی قابل اعتماد باشد، باید از آغوش یک طرفه مشتریان خا ورمیانه خود دور شود و باید به دنبال ایجاد روابط بهتر با رقبای خود باشد. برای این منظور، ایالات متحده باید ارائه هرگونه تضمین امنیتی برای مشتریان خود را رد کند و نباید با فروش بیشتر تسلیحات به مسابقه تسلیحاتی منطقه ای دامن بزند. ایالات متحده باید به طور کلی رویکرد متعادل تری نسبت به منطقه داشته باشد و این امر مستلزم آن است که دولت ما از جانبداری در نزاع هایی که ربطی به امنیت ایالات متحده ندارد، خودداری کند.

احیای روابط عادی بین عربستان سعودی و ایران همچنین باید به ما یادآوری کند که تعامل دیپلماتیک با پادشاه پادشاه یا امتیازی برای طرف مقابل نیست، بلکه بخشی عادی و ضروری از امور بین المللی است. امتناع از داشتن روابط دیپلماتیک با کشوری دیگر رویکردی عجیب و خودباختگی است که وضعیت هر دو کشور را بدتر می کند. عادی سازی همه مشکلات را در یک رابطه معین حل نمی کند، اما ابزاری برای حل بسیاری از اختلافات با هزینه بسیار کمتر برای هر دو دولت فراهم می کند. اگر سعودی ها و ایرانی ها با وجود بی اعتمادی متقابل می توانند این کار را انجام دهند، چرا آمریکا و ایران نمی توانند همین کار را انجام دهند؟

در این میان، آمریکا باید نزدیکی عربستان و ایران را تحسین کند و باید به مسیر دیپلماتیک برای حل مسئله هسته ای بازگردد.

## سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

دانیل لاریسون یک ستون نویس معمولی در Responsible Statecraft ، ویراستار مشارکت کننده در Antiwar.com ، و سردبیر ارشد سابق مجله The American Conservative است. او دکتری دارد. در تاریخ از دانشگاه شیکاگو. او را در توئیتر @Daniellarison و در Substack او، Eunomia، اینجا دنبال کنید.



----- با تقدیم احترامات «2023-03-13»



مقاله سوم در مورد تامین روابط دیپلماتیک بین ایران و عربستان سعودی:

نویسنده: اندریو کریبکو «Andrew Krybko»

[39]

منبع و تاریخ نشر: گلوبال ریسرچ «2023-03-12».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

ابتکار امنیت جهانی چین (GSI) پکن برای  
ازسرگیری روابط ایران و عربستان سعودی  
میانگیری کرده است.

## China's Global Security Initiative (GSI): Beijing has Mediated the Resumption of Iran-Saudi Arabia Ties



\*\*\*\*\*

این تحول چشمگیر یکی از بی‌ثبات‌کننده‌ترین عوامل امنیت منطقه در دهه‌ها، یعنی رقابت ایران و عربستان را که توسط آمریکا برای تقسیم و حکومت بر غرب آسیا مورد سوء استفاده قرار گرفت، از بین می‌برد. واشنگتن ممکن است همچنان تلاش کند تا نزدیکی آنها را خراب کند، اما بعید است که در این زمینه به چیزی دست یابد، به خصوص که تهران و ریاض احتمالاً از اهداف آن آگاه هستند. اگرچه هرگز علناً به آن اعتراف نخواهد کرد، اما ایالات متحده از این بابت از آنها خشمگین است، به خصوص از زمانی که چین میانجی معامله آنها بود.

ابتکار جدید امنیت جهانی چین (GSI) به تازگی اولین موفقیت خود را پس از انتشار بیانیه سه جانبه در روز جمعه بین این کشور، ایران و عربستان سعودی در مورد ازسرگیری روابط دیپلماتیک بین

این دو کشور غرب آسیا به دست آورد **پکن** به میانجی‌گری معامله بین تهران و ریاض کمک کرد که به موجب آن آنها توافق کردند که در امور یکدیگر مداخله نکنند و به حاکمیت همتای خود احترام بگذارند، که دو اصل آن برخی از ستون‌های کلیدی GSI را تشکیل می‌دهند.

واشنگتن ممکن است همچنان تلاش کند تا نزدیکی یا روابط آنها را خراب کند، اما بعید است که در این زمینه به چیزی دست یا بد، به خصوص که تهران و ریاض احتمالاً از اهداف آن آگاه هستند. اگرچه هرگز علناً به آن اعتراف نخواهد کرد، اما ایالات متحده از این بابت از آنها خشمگین است، به خصوص از زمانی که چین میانجی معامله آنها بود.

گذشته از همه اینها، ایران و عربستان سعودی نه تنها خود را با آنتانت چین و روسیه در آستانه سه‌گانه شدن قریب الوقوع روابط بین‌المللی بین آن بلوک بالفعل جنگ سرد جدید، میلیارد طلایی غرب به رهبری ایالات متحده و جنوب جهانی همسو می‌کنند، بلکه همچنین سناریوی "پتروویان" را نیز پیش می‌برند. این آخرین نتیجه ذکر شده می‌تواند ضربه مرگباری به دلار نفت وارد کند و بنابراین به طور بی‌سابقه‌ای انتقال سیستمی جهانی به چند قطبی پیچیده ("چند قطبی") را تسریع بخشد.

**شما میتوانید متن مقاله هنری کیسنجر را به زبان انگلیسی تحت این عنوان مطالعه کنید**  
استراتژیست های ایالات متحده باید توصیه های حکیمانه کیسنجر در مورد چین را در نظر بگیرند

کیسنجر در ارزیابی این که خط سیر استراتژیک بزرگ به طور خطرناکی به سمت «وضعیت از نوع جنگ جهانی اول» در حال حرکت است، درست است، اما هنوز برای متوقف کردن آن دیر نیست

### **US Strategists Should Consider Kissinger's Wise Advice About China**

**Kissinger is correct in assessing that the grand strategic trajectory is dangerously moving towards a "World War I-type situation", but it's not too late to stop it.**

هژمونی تک قطبی ایالات متحده خیلی زودتر از آنچه که انتظار داشت وارد زیاده دان تاریخ خواهد شد، که با زتاب های استراتژیک بزرگی هم برای خود و هم برای جامعه بین‌المللی دارد. این هژمون رو به زوال، دیگر نفوذ نامتناهی را بر بازارهای ارز و مالی اعمال نمی‌کند که در حال حاضر انجام می‌دهد، بنا براین یکی از قدرتمندترین سلاح‌های جنگ **هیبریدی** خود را خنثی می‌کند، که به نوبه خود می‌تواند احتمال بی‌ثبات شدن سایر کشورها از طریق ابزارهای مرتبط را کاهش دهد.

پس از توضیح پیامدهای مهم **ژئواکونومیک** این پیشرفت اخیر، که می‌تواند به معنای واقعی کلمه جهان را در آینده تغییر دهد، اکنون زمان آن رسیده است که به طور خلاصه به موارد ژئوپلیتیک نسبتاً کمتر مهم آن اشاره کنیم برای روشن بودن، آنها هنوز هم بسیار پرمعنی هستند، اما شکی نیست که در مقایسه با بینشی که در دو پاراگراف قبل به اشتراک گذاشته شد، کم‌رنگ هستند. بلافاصله، بالاخره یک فرصت معتبر برای پایان دادن به جنگ یمن چندساله وجود دارد. ایران و عربستان سعودی به ترتیب از حوثی‌ها و مقامات یمن به رسمیت شناخته شده سازمان ملل حمایت می‌کنند که در

9 سال گذشته در بدترین بحران بشردوستانه جهان بر اساس برنامه جهانی غذا سازمان ملل در حال جنگ با یکدیگر بوده‌اند. با توجه به اینکه حامیان اصلی هر دو شرکت کننده اولیه اکنون با یکدیگر در صلح هستند، این احتمال وجود دارد که آنها بتوانند بر نزدیکی رسانه‌های چینی خود برای پایان دادن به جنگ نیابتی خود در یمن، که می‌تواند جان افراد بی‌شماری را نجات دهد، پایان دهند.

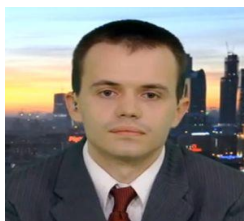
با این حال، چالش در تامین منافع مشروع مردم یمن جنوبی است که آرزوی بازگرداندن استقلال کشورشان را دارند. اگر ایران و عربستان سعودی از سر خود و در نتیجه متحدان اما راتی خود فراتر بروند، تلاش‌های بالقوه آنها برای پایان دادن به یک جنگ نیابتی ممکن است ناخواسته جرقه دیگری را ایجاد کند. به عنوان مثال، شورای انتقالی جنوب (STC) ممکن است با هر معامله‌ای که منجر به دستیابی حوثی‌ها به هر نوع نفوذ - واقعی یا تصویری - بر یمن جنوبی شود، مخالفت کند.

هنوز خیلی زود است که حدس بزنیم که در نهایت در آن کشور شبه جزیره‌ای چه اتفاقی می‌افتد، اما نکته اینجا است که ناظران نباید سنا ریوی ایران و عربستان سعودی را که نمادی از نزدیکی جدید آنها با میانجیگری چین است با تلاش برای پایان دادن به جنگ نیابتی خود در این کشور، رد کنند. یمن صرف نظر از هر اتفاقی که ممکن است در این زمینه اتفاق بیفتد، این که چین با موفقیت آن دو رقیب را متقاعد کرد تا به رقابت خود پایان دهند، یک پیشرفت قابل توجه است.

این نتیجه بیانگر وضعیت رو به رشد آن به عنوان یک ابرقدرت دیپلماتیک است، که مدت کوتاهی پس از به اشتراک گذاشتن طرح صلح 12 مرحله‌ای جمهوری خلق برای پایان دادن به مناقشه اوکراین به دست آمد. درست مانند سناریوی پیوستن نیروهای ایران و عربستان سعودی برای پایان دادن به جنگ یمن برای حدس و گمان دقیق در مورد آن خیلی زود است، حدس زدن در مورد چشم انداز موفقیت چین در پایان دادن به جنگ نیابتی **ناتو** و روسیه نیز به همان اندازه زود است، اما به طور بالقوه پیشرفت‌های آتی در این جبهه را نیز نمی‌توان رد کرد.

## چندسطر در مورد نویسنده این مقاله :

**اندرو کوریبکو** یک تحلیلگر سیاسی آمریکایی مستقر در مسکو است که متخصص در رابطه بین استراتژی ایالات متحده در آفریقا-اوراسیا، چشم انداز جهانی یک کمربند یک جاده چین برای اتصال جاده ابریشم جدید و جنگ ترکیبی است. او به طور مکرر در تحقیقات جهانی (گلوبال ریسرچ) مشارکت دارد. او یکی از همکاران دائمی تحقیقات جهانی است.



اندرو کوریبکو

-----  
با تقدیم احترامات ( 15-03-2023 )